



و در عقد رمایه هم علاوه بر شروط مشترک با سایر عقود و معاملات، شروط خاصی وضع شده است:

- ۱- تعیین فاصله میان تیرانداز و هدف (غرض)
 - ۲- تعیین هدف (غرض)
 - ۳- تعیین عوض (مال مورد رهن)
 - ۴- تعیین تعداد تیرهایی که قرار است مورد مسابقه قرار گیرد (رشق)
 - ۵- تعیین چگونگی اصابت تیر به هدف
 - ۶- تعیین نوع مسابقه (به صورت مبادرت یا محاطه)
 - ۷- امکان بُردن همه شرکت‌کننده‌ها.
 - ۸- یکسان بودن سلاح (مثلاً یکی کمان عربی و دیگری کمان فارسی نباشد)^۱
- (۱۱) ادله جواز سبق و رمایه در موارد خاصه:

برای جواز و صحت عقد سبق و رمایه در کتاب های فقهی به کتاب، سنت و اجماع تمسک شده است:
الف) اجماع:

مرحوم صاحب ریاض در این مسئله «اجماع امت» را ادعا می‌کنند و آن را چنین معرفی می‌کند:

«إجماع الأمة، المحکی بعنوان الاستفاضة فی کتب الجماعة، کالتذکرة والمهذب والتنقیح

والمسائلک و غیرها من کتبهم المعتبرة»^۲

همچنین صاحب جواهر نیز در مسئله هم ادعای اجماع محصل دارند و هم نقل اجماع را مستفیض و متواتر برمی‌شمارند.^۳

لازم است اشاره کنیم که جواز این عقد (فی الجملة) در میان شیعه (چنانکه از عبارت ریاض معلوم است) و در اهل سنت مسلم است^۴ ولی با توجه به ادله فراوان، و مدرکی بودن اجماع نیز غیرقابل تردید است.

ب) آیات کریمه:

^۱ ن ک: فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۱۳۹

^۲ ریاض المسائل، ج ۴، ص ۴۰۳

^۳ جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۱۲

^۴ ن ک: الموسوعه الفقہیہ، ج ۲۴، ص ۱۲۸



یک) «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ
مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا
تُظْلَمُونَ»^۱

ترجمه:

«برای مقابله با آنها [دشمنان]، هر چه در توان دارید از نیرو و از اسبهای ورزیده آماده سازید،
تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن شناخته شده خویش را بترسانید! و دشمنان دیگری غیر
از اینها، که شما آنها را به علت نفاقشان نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد. و هر چه در راه
خدا و تقویت اسلام انفاق کنید، بی کم و کاست به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم
نخواهد شد.»

ما می‌گوییم:

۱. برای آیه شریفه شأن نزول‌هایی مطرح است که از آن جمله چنین است که چون در جنگ بدر
مسلمانان بدون سلاح بودند، خدای سبحان آنها را امر کرده است که با تمام توان، خود را برای مقابله با
کفار آماده کنند. به همین جهت برخی «ما استطعتم من قوة» را به معنای هر نوع سلاحی دانسته‌اند^۲
برخی نیز مطابق با روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده است، آن را به «تیراندازی» برگردانده‌اند. مطابق
با این روایت پیامبر (ص) ۳ بار فرموده‌اند: «الا ان القوة الرمی»^۳
برخی نیز آن را به «حصن» معنی کرده‌اند.^۴

۲. آیه شریفه در کلام صاحب ریاض^۵ و صاحب جواهر^۶ مورد استدلال واقع شده است.
۳. اما به نظر می‌رسد نمی‌توان استدلال به آیه را برای این منظور کامل دانست چرا که:
اولاً: ملازمه ای بین این عقود و آمادگی برای جنگ نیست. و اگر هم عادتاً در زمانه ای چنین بوده
است، این ملازمه امروزه برقرار نیست.

ثانیاً این روایت لزوم آمادگی را مطرح می‌کند و علل حصول آمادگی متعدّدند و نمی‌توان به جواز هر
عاملی قائل شد. (چراکه چه بسا سرقت هم باعث آمادگی شود) بلکه اگر اصل آمادگی واجب باشد،

۱. انفال: ۶۰.

۲. المفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۵۰۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۵۲.

۴. المفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۵۰۰.

۵. ریاض المسائل، ج ۴، ص ۴۰۴.

۶. جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۲۱۲.

مقدمات مباحه آن واجب می‌شوند و مقدمات محرمه تنها در صورتی واجب می‌شوند که مقدمه منحصره باشند (به شرط آنکه ملاک وجوب اقوی باشد) و روشن است که سبق و رمایه تنها علت خصوص آمادگی نیستند.

و الشاهد علی ذلک: آنکه فقها به جواز هر ورزشی که باعث آمادگی شود فتوا نداده‌اند. ثالثاً: اگر هم کسی قائل شود که سبق و رمایه مقدمه منحصره «آمادگی کامل» است و «آمادگی» یک مفهوم تشکیکی است که حتی اگر مقدمات دیگر هم درجاتی آن را حاصل کنند، مراتب بالاتر از آن هم واجب است، باز می‌توان گفت که آنچه باعث آمادگی کامل می‌شود، اصل مسابقه است و نه وجود رهن در مسابقه.

إن قلت: وجود رهن انگیزه افراد را بیشتر می‌کند.

قلت: عللی که انگیزه مکلفین را وادار به ادای تکلیف می‌کند، نمی‌تواند به سبب امر به ذی المقدمه واجب شود و در صورتی که شارع بخواهد به «حکمت انگیزه بیشتر» چیزی را واجب کند، لازم است که آن را به حکم جدید و مستقل واجب کند.

رابعاً: اگر این استدلال کامل باشد، لازمه‌اش وجوب سبق و رمایه است و نه جواز آن.

